اختر

مطبعه و اداره خانهٔ ﴿ اختر ﴾ در خان والده در دائرهٔ مخصوصه است هرکارهای متعلق باداره به آقا محمد طاهر رجوع میشود ٠

اسامیٔ وکلای کرام در ممالك دور و نزدیك کاهی درصفحهٔ آخرین نکاشته خواهد شد ٠

روز پنجشنبه ٢٦ صفر سنه ١٢٩٨
١٥ کانون‌اول‌رومی و ٢٧ ماه ژانویه ١٨٨١

﴿ تعرفهٔ بدلات سالیانه ﴾

دارالسعادهٔ اسلامبول	٠٣	مجیدی سیم
دیکر ممالك محروسهٔ عثمانیه	٧٥	قروش صاغ
ممالك محروسهٔ ایران	٢٥	قران
ممالك هندوستان و بنادر	١٥	روپی نقره
ممالك روس و قفقاز	١٥	روبل کاغذی
ممالك اروپ و عربستان	٢٥	فرانك
یك نسخه	٦٠	پاره‌است

اجرت پوست همه جابعهدهٔ اداره است ٠

﴿ این‌نامه ازهرکونه‌وقایع و اخبار و از سیاسیات و پولیتیك و علم و ادب و دیکر منافع عامه سخن می‌کوید ٠ هفتهٔ یکبارطبع می‌شود ٠ اوراق ﴾
﴿ و نوشتجات سودمند را بامتنان می پذیرد ٠ درنوشتن کاغذهایی که‌ازخارج میرسد اداره آزاداست ٠ کاغذی‌را که نوشته نمی شود ﴾
﴿ صاحبش نباید استرداد بکند ٠ کاغذهایی که پول پوست ندارد قبول نخواهد شد ٠ ﴾

تلکرافها

﴿ از پاریس ١٩ صفر ﴾ مسیو کامبتا دریك مجلس مهمانی خطابهٔ خوانده ضمنا حرکات عاقلانهٔ کسانی را که بدرجهٔ افراط هواخواهان جمهوری هستند موردتحسین وآفرین نموده اظهار داشته‌است که‌حرکات‌آنان سست وعاطل نیست ٠ مشارالیه از پولیتیك خارجی بوجهی سخن بمیان نیاورده‌است ٠

﴿ از برلین ١٨ صفر ﴾ اخبارنامهٔ (المان شمالی) شایعاتی را که درباب مسئلهٔ شرق درمیان است تکذیب نموده میکوید درباب انجام دادن مسئلهٔ حدودیونان تحریرات عمومی که از جانب بابعالی در ١٤ ماه‌کانون‌ثانی بدولتها فرستاده شده‌است ازمندرجات آن‌ممکن‌است نقطهٔ حرکتی برای انجام دادن مسئله اتخاذ بشود حتی دولتها درانیناب باهمدیکر مذاکرات ومخابرات‌دارند ٠

﴿ از پاریس ایضا ﴾ مسیو لیون سای باکثریت یکصد وهفتاد رای‌بریاست مجلس اعیان فرانسه معین کردیده‌است ٠

مسیو کامبتا نیز درمجلس مبعوثان درحالتیکه ازاعضای‌مجلس سیصد وهفتاد وهفت‌نفر حاضر بود دویست وشصت ودو نفر از اعضا بهوا خواهی اورای داده مومی‌الیه هم بریاست مجلس مبعوثان برقرارشده‌است ٠

﴿ ازلندن ١٩ صفر ﴾ دیروز درمجلس مبعوثان لایحهٔ که‌ازجانب (مسیودوسون) مطرح مذاکره شده‌بود مردود کشت ٠ درباب‌رسیدکی سایر لوایح‌مختصر مذاکراتی بعمل آمده پس‌ازآن لایحهٔ تشکرنامهٔ که درمقابل خطابهٔ‌علیا حضرت ملکهٔ انکلستان نوشته شده بود باتفاق آراء پذیرفته‌شد ٠

﴿ ازلندن ایضاً ﴾ دیروز (سیرچارلزدیلك) مستشار وزارت انکلستان درمجلس‌مبعوثان‌اظهار نمودکه‌ازتصورات انجام‌دادن مسئلهٔ‌حدودیونان بواسطهٔ کومیسیون (حکم) همهٔ دولتها بطور قطعی صرف‌نظرنموده‌اند ٠ باهمهٔ این دولتها اقدامات بکار می‌برند که تدبیری دیکری دراینباب فکرنمایند ٠ احتمال هست که ازمساعیٔ دولتها نتیجهٔ‌خوبی دراین‌خصوص حاصل کردد ٠

﴿ ازلندن ٢٠ صفر ﴾ درباب مسئلهٔ حدودیونان مظنون است‌که ازتصورات تشکیل کومیسیون‌حکم دولتها بطور قطعی صرف نظر نمایند ٠ یونانیان بجهة عدم امنیت خودشان بوسائط دیپلوماتیکی قراردادهاند که شمشیر درمیان حکم باشد یعنی جنك‌را برخود هموار نموده‌اند ٠ اخبارنامهٔ (اتنکون‌پنوما) میکوید ٠ اینکه شایع‌شده‌بود یکی‌ازوزرای‌یونان‌ازمأموریت خود استعفا نموده‌است بی‌اصل‌است ٠

اعضای مجلس‌مبعوثان را که‌درولایات یونان هستند ازجانب رئیس مجلس مذکور دعوتنامها فرستاده‌شده‌است که‌در ٢٧ ماه‌کانون ثانی فرنکی دراتن‌حاضر بشوند ٠

﴿ ازلندن ایضاً ﴾ قشون جمهوریٔ (شیلی) موقع (لورین) نام‌را ازلشکرحکومت (پرو) ضبط نموده پس ازآن بلشکریان (پرو) که‌در (کور یلوس) نام محل بودند حمله برده آنان‌را عقب نشانده‌اند ٠ ازقشون (پرو) هفتهزار مقتول ومجروح ودوهزارنفراسیر شده اند ٠ پس‌ازآن اردوی حکومت (پرو) بلنکرکاه (میراکلوب) کشیده قشون(شیلی) آنان‌را تعقیب نموده درلنکرکاه مذکور درمیان فریقین جنك سختی ظاهر شده بازلشکر (شیلی) غالب آمده قشون (پرو) شکست یافته‌است ٠ پس ازآن قشون (شیلی) بلنکرکاه مذکور داخل کردیده اهالیٔ آنجا ازدرمطاوعت‌درآمده‌اند ٠

﴿ از پاریس ٢١ صفر ﴾ بموجب تلکرافنامهٔ که بسفارتخانهٔ جمهوریٔ (شیلی) مقیم پاریس رسیده‌است ٠ قشون شیلی شهر (لیما) را که‌پای تخت‌حکومت (پرو) بودضبط نموده شهر (کالایو) را نیز استیلا کرده‌اند ٠

﴿ ازاسماعیلیه ایضاً ﴾ ازیازدهم‌ماه کانون ثانی تابیستم ماه مذکور ازقنال سویش هشتاد وشش‌فروند کشتی‌عبور نموده ازکشتیهای‌مذکور معادل یك‌ملیون وششصد و بیست فرانك رسم مرور کرفته‌شده‌است ٠

﴿ ازاتن ٢١ صفر ﴾ مسیو کوندوستاولو سفیردولت یونان مقیم لندن ازماموریت خود استعفا نموده است ٠ ولی تاکنون استعفای مشارالیه پذیرفته نشده‌است ٠

بموجب ارادهٔ اعلا حضرت پادشاه یونان وزیرجنك‌را دستورالعمل‌داده‌شده‌است که‌بتازه‌کی سه‌فوج عساکر پیاده و یکدسته سواره‌ویك‌فوج

لشکر استحکام بزودی بزیر سلاح آورده‌شود ۰ مجموع عساکر یونان که اکنون حاضر و باسلاح هستند عبارت از شصت و پنجهزار نفراست ۰

ازجانب وزیر جنگ یونان بصاحب منصبان عسکری دستورالعمل داده‌شد که سه باب دبوی (یعنی انبار مهمات والبسهٔ عسکری) د رمواقع (پیره) و (اکریبوز) و (مسولود) سریعا آماده نمایند ۰

﴿ ازقطارو ایضاً ﴾ درلنکرکاه (بار) بارونخانهٔ (قورخانه) قره‌طاغیها آتش کرفته بقدر بیست نفر ازعساکر قره‌طاغ ازصدمهٔ آن تلف‌شده است ۰

﴿ ازلندن ایضاً ﴾ اخبارنامهٔ (استاندارد) میکوید ۰ در باب مسئلهٔ یونان دولتین المان وفرانسه متفق وهمرای هستند ۰

﴿ از برلین ایضاً ﴾ در باب مسئلهٔ یونان تکلیف آخریٔ بابعالی مانداین‌است که‌ازجانب همهٔ دولتها پذیرفته‌شده‌است ۰ پس‌ازآنکه‌تکلیف مذکور ازجانب دولتهای بزرك پذیرفته‌شد برای حصول ایتلاف افکار وانجام دادن مسئله بمذاکرات‌خواهند پرداخت ۰

احتمال هست که‌ازجانب دولتها آخر درجهٔ جانفشانی بابعالی در باب ترك اراضی استمزاج کرده‌شود ۰

﴿ ازلندن‌ایضاً ﴾ درهمهٔ‌خاك انکلستان‌سرما درنهایت سختی بوده زمستان درکمال‌شدت حکم خودرا اجرا میکرده‌است ۰ خیلی برف هم‌آمده بمناسبت انجماد لنکرکاه (لیورپول) کشتیها ازتردد بازمانده‌اند ۰

﴿ ازلندن ۲۳ صفر ﴾ روزشنبهٔ کذشته ازجانب دولت یونان بواسطهٔ سفیرخود مقیم‌لندن کاغذی بوزارت خارجیهٔ انکلستان فرستاده درباب مسئلهٔ حدود اظهار داشته است تکلیفی که‌ازجانب دولت‌عثمانی برای‌انجام‌دادن‌مسئله بمیان آورده‌شده‌است ازدرجهٔ‌تکالیف کونفرانس‌اروپ خیلی‌ناقص‌و بیش ازآن شایان‌عدم قبول است ۰

﴿ ازلندن ۲۳ صفر ﴾ درپانزدهم همین ماه ژانویهٔ فرنکی ترکانان که درکولك‌تپه متحصن بودند درنهایت شجاعت ومایوسی بقشون روس یورش آورده درمقابل هرکونه تلفات وصدمات پایداری کرده محاصرین را از بعض مواقع بیرون آورده عقب نشانده‌اند ۰ پس ازآن روسها دوباره یورش آورده مواقع خود شانرا ازآنها ضبط نموده ترکانان را عقب نشانده اند ۰ درمیدان جنك از ترکانان خیلی مقتول افتاده‌است ۰ ترکانان پس ازآن دوباره به‌تحصنکاه خود برکشته‌اند

﴿ ازلندن ۲۴ صفر ﴾ همهٔ دولتهای‌اروپ بجههٔ احتراز از وقوع یك جنك عمومی ونیز بملاحظهٔ اینکه بابعالی ازاین‌اشکالات رهایی‌جسته بانتظام کارهای داخلی خود پردازد قرارداده اند که مسئلهٔ حدود یونان را سریعا انجام داده‌آید ۰ بنابر این مواد مندرجه درتحریرات عمومی مورخ ۱۴ کانون ثانی فرنکی ازجانب‌همهٔ دولتهاپذیرفته شده باجتماع مجلس کونفرانس تازه قرار داده شده‌است ۰

اخبارنامهٔ امروزی (تایمس) میکوید ۰ اینهفته مجلس کونفرانس اجتماع‌خواهدنمود ۰

﴿ ازلندن ۲۳ صفر ﴾ روزنامهٔ تایمس میکوید ۰ برقراری آسایش اروپ منوط باتفاق دولتهای بزرك است ۰ درباب مسئلهٔ‌حدودیونان دولت انکلیس توسط دوستانهٔ خودرا دریغ نخواهدداشت ۰ ولی کسیکه‌پیش‌دستی‌درجنك نماید مسئولیت آن راجع بخودش است ۰ در حالتیکه دولت یونان بتنهایی اقدام بجنك نماید نباید امید معاونت از اروپ داشته باشد ۰ ودر اینباب ازعدم معاونت اروپ حق شکایت‌را نیز ندارد ۰ یونانستان ازاروپ بجز ازتوسط دوستانه چشم داشت دیکر را حق ندارد ۰ وضع حاضر انکلستان زیاده براین را دربارهٔ یونان مساعد نیست ۰

داخلیه

جناب دولتمآب عابدین پاشا وزیرخارجیهٔ سابق که چند روز پیش بوالیکریٔ ولایت (اطنه) معین کردیده‌بود یکقطعه نشان ذیشان مجیدی‌نیز تبدیلاازدرجهٔ‌نخستین بمشارالیه احسان فرموده شده است ۰

جناب دولتمآب درویش پاشا کوماندان (اشقودره) روز شنبهٔ کذشته باواپور همایون (طلیعه) بدرسعادت‌وارد شده پس ازآنکه ازواپور بیرون آمده یکسر بمابین‌همایون‌ملوکانه عزیمت نموده‌ازحضور معالی‌نشور اعلاحضرت پادشاهی شرفیابی حاصل کرده مورد التفات بی‌نهایت ملوکانه شده‌اند ۰

رسم تعلیق وتشریفات نشان عالیٔ امتیاز که‌بجناب‌مشارالیه درهنکام ماموریت(اشقودره) احسان فرموده شده‌بود فردای آروز درمابین همایون بقرار معمول بعمل آورده‌شده است ۰

جناب دولتمآب اسماعیل حقی پاشا مشیر اردوی همایون خاصهٔ سابق که‌چند روزپیش ازاین بسمت کوماندانی اشقودره معین کردیده جناب احمدراسم پاشانیز بماموریت مفتشی‌مامور وآمادهٔ عزیمت بدانصوب بودند چند روزی عزیمت پاشایان‌مشارالیهما بتاخیرافتاده‌است ۰

شب‌شنبهٔ کذشته درتلکرفخانهٔ عامره دزدیٔ غریبی واقع‌شده درحالتیکه دراطاق تحویلدار بقرار سابق بسته بود ازپنجرهٔ بسیار بلندی دزدها بهرتدبیری که بوده است داخل اطاق شده صندوق‌را شکسته بقدر یکهزار لیرای طلا ودو هزار مجیدیٔ سیم بسرقت برده‌اند ۰ حکومت بااینکه درجستجوی مرتکبین‌این سرقت دقیقهٔ فوت نمیکند با زتاکنون رشتهٔ بدست نیامده است ۰

(روزنامهٔ (ترجمان حقیقت) درنسخهٔ روز سه‌شنبهٔ کذشته تفصیلی بعنوان (کردهاوترکانها) نوشته بودکه ۰ کویا چندنفر ازمشایخ اکراد میان ترکانان رفته آنان را بدائرهٔ اتفاق خود شان دعوت نموده اند که درآغاز بهار ازدوطرف بخاك ایران یورش آورده دولت‌ایران‌را مشغول‌سازند تااینکه یکی‌شده مقصودی‌که درنظردارند ازپیش ببرند ۰ بااینکه رفیق ما (ترجمان‌حقیقت)خود یکدرجه ازپذیرفتن این شایعه اظهار تعجب وخود داری میکند باز بنقل ومیخ زده دراینباب تفصیلات دور ودراز مینویسد ۰ اکرچه‌مااصل مقصود رفیق خود مارا میدانیم که‌چون اکراد خود نتوانستند کاری از پیش ببرند که موجب خشنودی ایشان وبعض امثال ایشان‌بشود اکنون میخواهد بدین‌زبانها اکرادرا یاد آوری نماید که چنین تدبیری برای‌آخرالدوا باقی است ۰ رفیق‌خود مارامیکوییم که‌این‌را همنمایی‌وتدبیرایشان‌بی‌ثمراست واین‌خوددلیل کمال‌بی‌اطلاعی ایشان است هرکاه ازوضع‌جغرافی آنجاها جزوی‌آکاهی داشت این مطلب‌را نمینوشت کردستان کجا ترکانستان کجا ۰ (ببین‌تفاوت‌ره از کجا است تابکجا)

وازاین قبیل‌است پارهٔ بیانات (وقت) که بموجب (ورقه) درنسخه دیروزی خود بعنوان (کردستان ایران) نوشته است تااین‌کونه ورقه

نو یسان بااطلاع واخبار نکاران بی‌غرض درعالم اسلامیت هست راستی برحال عالم اسلامیت‌باید کریست . صاحب‌ورقه درآنکه همهٔ نفوس (ایران)را پنج‌ملیون قرارداده‌است حرفی نداریم ولی دوملیون ونیم آنرا کرد نشان میدهد آفرین بکردیٔ صاحب ورقه که‌باآن کردیٔ خود بهروسیلهٔ که‌هست یك‌روزنامهٔ‌معتبر این‌پای‌تخت‌را آلت تمسخرمردمان آگاه کرده‌است. ولی اینقدر میگو ییم که‌همهٔ‌عشایر اکراد ایران بجزازمعدودی که‌دراطراف سا وجبلاغ وآنطرفها است علاوه برآنکه مطیع صادق دولت علیه‌ایران هستند با اکراد نواحی ساوجبلاغ وغیره درنهایت مرتبه دشمنی دارند بحدیکه اتفاق‌سهل‌است تالیف مابین ایشان ازمحالات است که بیان نمودن اسباب خصومت آنان درخارج ازوظیفهٔ‌ما است . و با مسلك مستقیم ونیات مقدس‌ما موافق نیست . ولی‌رفقای‌ما موافق نیات‌خودشان ودرراه اجرای مقصود هرنوع جانفشانی میخواهند بکنندمیدان سخن‌آنهارا است. درحالتیکه شخص‌ازمعایب‌سخن خود آگاه نشد هرچه دلش میخواهد میتواند بگوید ومیتواند جهانی‌را کرد بقلم بدهد اگرچه صاحبان قلم بحق اعتراض بکنند حال آنکه اهل ایران هرجنس که باشد همه ملت واحده است وهمه ایرانی وعجم برخلاف اقوامی که اصلا سمت ملیت ندارند.....

عجب است که صاحب ورقه نقطهٔ (اتحاد اسلام) را دراین بیانات اساس مطلب اتحاد کرده‌است‌حال‌آنکه ازوضع آن (اتحاد) اطلاع کامل داریم که ازکدام‌نیت‌فاسده‌ومالیخولیا برخواسته‌لهذاسخن‌رابایراداین‌بیت‌بپایان‌میآوریم .

﴿ ترسم نرسی بکعبه ای اعرابی ﴾
﴿ این‌ره که‌تومیروی‌بکردستان‌است ﴾

خارجیه

اعلاحضرت‌ایمپراتورالمان‌درحالتیکه بمناسبت سال‌جدید عیسوی هیئت سفرارا پذیرایی نموده بود ازمسئله‌یونان سخن بمیان آورده اظهار داشته است‌که . (ازاین‌مسئله بوی باروت‌میآید .

اخبارنامهٔ (ناسیونال زایتونك) میکوید .

اعلاحضرت ایمپراتور مشارالیه نیز درهمان روز درحین پذیرایی نمودن ازطبیبان گفته است‌که . (انشاءاله امسال بدیدن‌روی شما محتاج نمیشوم)

﴿ مکاتیب ﴾

﴿ کاغذ ازسنندج ﴾

عرض میشود .

چون شورش امساله شیخ عبیداه وحزوآقا در پارهٔ از بلاد بعیده بنا بانتساب اسمی‌نه اکتساب رسمی بنام اتحاد وقیام اکرادمنتشر ویاد کرده‌شد وهمهٔ طوایف اکرادرا از (بابان) و (کوران) و (اردلان) و (لر) و (کلهر) وغیره وغیره باوجود برائت ذمت شریك وسهیم عمل وحشیانهٔ سقیم دانسته که (یستوی البحران هذا عذب‌فرات سایغ شرابه وهذاملح اجاج)

﴿ آب تلخ وآب شیرین درجهان ﴾
﴿ درمیا نشان برزخ لایبغیان ﴾

لهذا احقر عبادرا که‌یکی ازافراد اکراد ومتوطن درکردستان ایران است بخاطر قاصر رسید بتوسط روزنامهٔ کرامی (اختر) که‌دررفع شیاطین شبهات شهاب ثاقب است این‌شبهه‌را رفع وبرائت ذمت اهالی وطن را بدرخشنده‌نور اختر فرخنده سیر (کالشمس فی وسط السماء) روشن ومبرهن نماید بنابراین جسارت ورزیده عرض میدادر .

نخست . اگرچه ازحدود آذربایجان وعراقین وعربستان الی قرب شامات وارمنستان یورت ومقام ومسکن طوائف متعدده اکراد ودرتبعیت دولتین علیتین اسلامند ولی الآن مراد ومتبادر ازلفظ کردستان مطلق همان مسکن وموطن‌ما حقیر ان‌است که‌یکی ازایالات دولت علیهٔ ایران وازاطراف بکرمانشاهان وهمدان وکروس وساوجبلاغ مکری وسلیمانیه و بابان محدود ودارالایالهٔ آن شهر سنندج است‌حکومت این ایالت زیاده ازچهار سال است ازجانب سنی‌الجوانب اعلاحضرت اقدس شاهنشاه‌ایران مفوض بکف کفایت نواب والا امیر زادهٔ اعظم ابوالفتح میرزا فرزند ارشد حضرت مستطاب امجدوالا حسام السلطنه‌است . الحق فطرة نواب معظم الیه ﴿ کل بهشت ومخمرباآب حیوان است ﴾ دراین‌مدت حکومت بنوعی حسن سلوك نسبت باهالی بلده و بلوك معمولداشته اندکه ادانی واعالی شکر نعمتش میکذارند وشرط خدمتش‌را بجای میآرند رعیت پروری وعدالت گستری‌را بطور شایسته بعمل آورده وحسن اداره‌را بطوری مراعی داشتند که‌همه اهل ملك راضی وشاکر وزبان‌را ازادای شکرآن نعمت قاصردارند . ظلم وجور ازطرز وطور عدل و دادش ناپدید ازوهم و بیرون ازگمان شد . خصوصا اوقات شریفرا درتربیت واصلاح احوال برایا و رعایا چنان مصروف فرموده که‌شئونات کردیت ووحشیکر یرا بالمره ترك کرده وفراموش نموده اند وازتربیت حکیمانه وتدابیر عاقلانهٔ ایشان باوجود قرب جواروتوافق‌مسلك وزبان ودعوتهای متوالی واغوا واغرای شیخ و (حزو) احدی از راه راست عبودیت وصداقت دولت علیهٔ ابدآیت انحراف نورزیده داخل شرارت وکردار ناصواب وحشیانهٔ اشرار نکردیده وهرچه رؤسای اشرار جد وجهد نمودند شاید نفوذی دراین نواحی پیدا کنند بمطلب نرسیدند و محل اعتنا واعتبار نشدند بلکه درمقابل کروه ضلالت پیشه سوار و پیاده مستعدوآمادهٔ نزاع ودفاع کردیدند واین فقره درنزد اولیای دولت قویشوکت معلوم ومحقق آمده‌به نواب امیرزادهٔ اعظم که‌حسن‌اداره ودرایت ایشان ظاهر کردید ونیز باهل ولایت که‌دراطاعت وصداقت اعلا حضرت پادشاهی دامت ایام سلطنته ثابت قدم بودند مرحمت ومکرمت‌شد و بهرنقطه ازممالك محروسه حکم تلکرامی وفرامین صادر کشت که‌بنظر احترام واعتبار اهالی کردستان (اردلان) را ملحوظ دارند .

ثانیا . نظر باآگاهی و بلدیت که‌بمناسبت همسایکی‌وقرب جوار باعاصیان‌داریم‌این واقعه‌را اهمیت وعظم ووقعی نباید داد و بنام شورش وقیام نباید خواند چه‌این عمل وحشیانه ازجمعی سرزد که‌آنانرا (بلباس) میکویند وصنعت وزراعت وتجارت‌را عبارت ازقتل ونهب وغارت میدانند . ودرمیان آنان این‌شیوه وروبه‌رسمی است‌مقدم . وشنشنه ایست (قدعرفت‌من‌احزم) چنانچه درمیان خودشان هم اکثر اوقات همدیکررا قتل وغارت میکنند وهمواره‌بر یکدیکر تاخت وتازمی‌برند چنانکه چندی پیش ازعصیان درمیان دوقبیله ازآنان که‌یکی را (منکور) ودیکری‌را (مامش) مینامند مقاتلهٔ بسیار سختی رویداد چنانکه دریکروز ازطرفین بقدر هزار نفر مقتول کردید وهمدیکررا غارت وتاراج نمودند .

خلاصه بعدازورود جناب جلالتمآب اشرف سپهسالار اعظم برخی ازآنان درنهایت شرمندگی وخجالت عرض دخالت کردند وبعضی ناچار فرار ودرکوه وغار متواری گردیده واسطه ووسیله برانگیخته طالب استیمان شدند . الحاصل اگر باآن گروه همنام بودیم له الحمد همرسم نشدیم .

﴿ بحر را نیمیش شیرین چون شکر ﴾
﴿ طعم شیرین رنگ روشن چون قمر ﴾
﴿ نیم دیگر تلخ همچون زهرمار ﴾
﴿ طعم تلخ و رنگ مظلم قیروار ﴾

امید واریم صورت همین عریضه را درصحائف اختر درخشنده درج نمایند که هم رفع شبهه ازاهالی صداقت شعار گردد که جنس ونوع بکناه اشخاص چند لکه‌دار و بی‌اعتبار نشوند وهم ظاهر وآشکار گردد که تربیت درعالم مدنیت وانسانیت چنان مؤثراست که ازتربیت آفتاب سنگ کوهر وازتاثیر طبیعت خون درنافه مشک اذفر کردد والسلام علیکم و علی من لدیکم .

﴿ امضا ﴾
﴿ خادم وطن ﴾

کاغذی است که بتاریخ ۲۳ محرم ازتبریز بادارهٔ اختر رسیده بود چون آن ایام مصادف زمان تعطیل اختر ازجانب ادارهٔ مطبوعات بود لهذا نکارش آن چند روزی تأخیر افتاد چون مندرجات کاغذ مذکور موافق وظیفهٔ ما بود لهذا درذیل بنکارش آن میپردازیم .

﴿ صورت کاغذ ﴾

جناب منشی اختر

چنانکه اطلاع دارید و پیشتر در یکی ازنسخهای اختر هم نوشته بودیدکه . درتبریز پیش ازورود جناب مستطاب اشرف سپهسار اعظم علاوه برآنکه قیمت اسعار خیلی بالارفته ونایاب بود تعدیات و بی حسابیها و بی‌نظمیها بدرجهٔ رسیده بود که ذکر آن موجب ملال خاطر میکردد . ولی بعدازآنکه جناب معظم الیه واردشهر تبریز کردیدند نه یکیرا سیاست نموده ونه کسیرا مورد تنبیه فرمودند که نرخ نان یکدفعه‌رو بتنزل کذاشته همهٔ دکانهای خبازی که پیشتر بسته شده بود بازکردیده دکانهای خبازی همه روزه پراز نان خاص بود وخریدار نداشت یکمن کندم که هفت عباسی فروخته میشد بچهار عباسی پایین آمد . تاآنکه جناب سپهسالاراعظم دریازدهم ماه‌ذی‌حجه چنانکه معلوم است بجانب سا وجبلاغ تشریف برند وتابیست وهفتم ماه مذکور مرنه ووفورنان درتبریز بهمان قرار بود بعد از ۲۸ ماه مذکور یکبار بقدرسی باب دکان خبازی بسته شده ودرسایر دکانها هم بقدر لازم نان پخته نشد ودر پیش هردکان زیاده برسی نفر خریدار نان صف کشیده بااینکه نانی که می‌پزند بغیر ازکندم باهر چیز مخلوط است بازرعیت بیچاره که میخواهد نیم من نان بکیرد باید ازصبح تاعصر دم دکان خبازی معطل شده پس ازاین معطلی هم معلوم نیست که نان تواند کرفت یانه .

این یکی را نیز عرض نمایم چنان تصور نمایید که غله کم است واین قحطی وکرانی ازعدم آذوقه ناشی شده است بل خدا شاهد حال وصدق مقال است که ازقحط سالی سال کذشته هنوز بسیار انبارهای کندم موجوداست که دست‌زده نشده است وامسال هم محصول فوق‌العاده برکت داشت که هرکاه تادوسال یك‌دانه کندم وجواز زمین نروید خوراك اهالی را کفایت میکند .

هرکاه علت این اوضاع را جویا شوید درجواب عرض میکنم که . پیشتر قسمت کلی املاك دردست رعیت بود وقت برداشتن زراعت آنچه ازخوراك خود محصول زیاد داشت آورده درشهر میفروخت ومردم هم آذوقهٔ خودرا بوقت وهنکام خریده فقیر وغنی آسوده بودند اکنون بتدریج املاك بدست متمولین ازحضرات خوانین وملاها وتجار ومستوفیان افتاده آنها هم چندان احتیاج بپول ندارند ولذت نفع کندم‌را که سرشته بخون هزاران نفوس مقدس است نیز چشیده‌اند این است که همه غله‌را بانبارها انباشته نکاه میدارند تافقراوضعفا ازتحصیل آذوقه درمانده کار شان باضطراب واضطرار میکشد آنوقت بتدریج دوآورده بهای خون‌مردم فقیر میفروشند .

کذشته ازاین سبب عمدهٔ دیکر نیز دارد که آن وضع (تیول) دهات است وآن این است یکنفر که از دولت پنجاه تومان مواجب دارد دهکدهٔ را درمقابل مواجب خود از دیوان اعلی قبول میکند وبده آن دهکده را منحصر بخود نموده همهٔ محصول آنجارا ازدست رعیت بیچاره کرفته آنان را بنان شب محتاج میکند وغله را درانبارکرده تا بوقتی که میخواهد نکاه میدارد .

بعد ازاین تفصیلات آنچه از علت کرانی وکیابی آذوقه باقی ماند فقرهٔ غلهٔ دیوان است آنهم دونوع بکی را (غلهٔ بار کرده) میکفتند که صاحبان خود بارنموده بشهرآورده تسلیم کاشتکان دیوان اعلا مینمود . دیکری هم بار نکرده بود یعنی درمحل آن صاحبان املاك بمامورین حکومت میسپردند وحکومت نیز آن غله‌را بمزنهٔ روز باهالی میفروخت واین فقره در آسودکی فقرا وضعفا خیلی مدخلیت داشته سبب سهولت تحصیل آذوقهٔ مردم بود تا اینکه این نعمت را نیز بفقرای اهالی زیاد دیدند هنکامیکه جناب آقای صاحب دیوان سه‌چهار سال پیش ازاین بطهران رفتند محض بجهة ترفیه خاطر ملاك آذربایجان یا بملاحظات دیکر که بنده سر وحکمت آنرا نمیدانم غلهٔ دیوان را از قرار صدمن سه تومان تسعیر نمودکه صاحبان املاك پولش را نقد بدیوان اعلا برسانند وهرکس که سمت پیشکاری ولایت آذربایجان را داشت هرساله مبالغ کزاف ازاین بمر منافع برمیداشت . وغله‌را چنانکه ذکر شد بصاحبان املاك واکذاشته وجه را نقد میکرفت .

اکنون حضرات صاحبان ملك از خوانین وخصوصا آقایان ملاها وصاحبان (تیول) بعد ازآنکه غلهٔ دیوان را بنازلترین قیمتی خریدند کندم‌رابانبارها انباشته درشرامحکم بسته بفراغت نشسته منتظر ترقی قیمت آن میشوند تاکار مردم پر بسختی نکشد وازدرد کرسنکی کروه انبوهی ازفقرا هلاك نشوند وقیمت بدرجهٔ که مطلوب آنان است نرسد نمیفروشند .

قسم بخدایی که این بی انصافان خونخوار را آفریده است سال کذشته که قیمت کندم بالارفت بکوش خود ازصاحبان کندم میشنیدم که بکمال بی‌شرمی وخدانترسی میکفتند هرکاه قیمت کندم یکصد من بده تومان برسد آنوقت انبارها را بازنموده خواهیم فروخت ولی وقتیکه ده‌تومان شد از نهایت بی‌مروتی وطمعکاری نفروخته کفتند تا بیست تومان نباشد نمیفروشیم خلاصه هرچه

اسعار بالا رفت طمع آنان چند مقابل بالا کرفته ازفروش کندم خود داری مینمودند وبسیاری ازآن دین بدینا فروشندکان راخبردارم درحالتیکه قیمت کندم صدمن بچهل وچهارتومان رسیده بود باز نفروخته منتظر بودند که درپنجاه تومان بفروشد وهمان کندمها اکنون نیز موجوداست ٠

باری آنچه ازدرجهٔ طمع وبی انصافی این خدا ناشناسان بنو یسم ازهزار یکی واز بسیار اندکی نتواند شد ولی یقینا میدانیم هرکاه بندکان اعلا حضرت اقدس شاهنشاه ایران را که وجود مبارکشان آیت رحمت است وعموم رعیت درنظر همایونشان بمنزلهٔ اولاد است خصوصا اهالی آذربایجان را که بصداقت وعبودیت آن خاندان معالی عنوان سمت استثنا دارند از این حرکات ناشایست صاحبان املاك وازدرجهٔ فقر وپریشانی فقرای رعیت بطور لائق اطلاع حاصل کردد بدیهی است که درباب برداشته شدن این وضع ناکوار وآسودکیٔ تبعه وزیر دستان که ودائع کرانبهای ایزد متعالند ابراز مآثر رعیت پروری وملکداری که خودشان بالفطره متخلق هستند فرموده کسان متدین ومعتمد ودرستکار وامین ودولتخواه وعفیف برای تحقیق این فقرات معین میفرمایند تا آن دنی طبعان غافل از خدا را که بجهة دیناری معدودا ینقدر فقرا وبیچاره کان رعیت را بهلاکت میاندازند وسبب عدهٔ فوت هزارها نفوس مقدسه میشوند بکیفر سزای ناشایست خودشان رسانیده رعیت بیچاره را ازتعدیات طاقت فرسای آنان رها میفرمایند وتصور نمایید که چارهٔ این کار موجب اشکالات تواند شد چنانکه عرض شد هرکاه ازجانب سنی الجوانب حضرت ظل اللهی برای برداشته شدن این حرکات غدارانهٔ صاحبان املاك مامورین درستکار باوعد ووعید معین بشوند درآغاز کار ازجانب ایشان بیانامهٔ خطاب بصاحبان املاك نشر میشود ودرآن بیانامه اعلان میکنند که هرکس ازاعلا وادنا دارای انبار کندم وامثال آن هستند تافلان مدت هرقدر غله درهرجایی که دارد باید ازکم وکیف ومقدارآن بدون خلاف بحکومت بموجب نوشته اطلاع بدهد وهرکس تا انقضاء مدت معین دفتر غلهٔ را که دارد بحکومت ندهد درثانی حکومت خبردار شود ضبط ومصادره خواهد کردید دراینصورت البته احدی نمیتواند ازاین امروقرارداد حکومت تخلف نماید هرکاه چند نفری هم پنهان نموده بروزندهد ازجانب حکومت اعلان میشود هرکس انبار پنهان شدهٔ ازهرکس که باشد بحکومت خبر بدهد فلان مبلغ از وجه آن کندم بنام اخبار یه باوداده شده خود مخبر نیز ازهرکونه آسیب وکزند صاحب انبار درحال وآینده محفوظ خواهد بود هرآینه صد من کندم پنهان نتواند ماند ٠ پس ازآنکه مقدار کندم وانبارها ونام صاحبان آن معین وبثبت دفتر حکومت رسید ازجانب حکومت بطورقطعی قیمتی برای کندم معین وغدغن مؤکد میشود که ازآن قیمت زیاده نفروشند حکومت غلهٔ موجودهٔ هرکس را بنام قرض قبول میکند که ازمحصول سال آینده عینا ردنماید بعد غله را بقیمت مناسبی فروخته اهالی فقرا را راحت میکند ودراین حال میتوان کفت که درمقابل این حکم عادلانهٔ حکومت هیچ کس خودداری نتواند کرد سهل است که قیمت کندم بمزنهٔ پنج سال پیش تنزل خواهد نمود ٠

الحاصل کسانیکه مرتکب اینکونه احتکار شده نفع خودرا درتلف جان ومال بندکان خدا میجویند آیا مستحق چنین احکام عادلانه ومحققانهٔ اعلا حضرت پادشاهی هستند یانه٠ اعتقاد ما این است که موافق جمیع شرایع دنیا اکر کسی بنظرانصاف نکاه نماید تصدیق این مطلب را خواهد نمود ٠

درنسخهٔ کذشته اختر صورت کاغذ جناب مستطاب شریعتمدار آقایی شیخ الاسلام (قفقاز)را درباب رسالهٔ اصلاح حروف اسلام که عالیجاه مجدت ونجدت همراه آقا میرزا رضا ترجمان نایب اول جنرال قونسلکری دولت علیهٔ ایران مقیم تفلیس تالیف نموده است نوشته بودیم جناب مستطاب معظم الیه تصورات مؤلف مومی الیه را تحسین فرموده بنکات واضح لزوم اصلاح حروف را تصدیق فرموده بودند اینهفته نیز کاغذی را که در اینباب جناب مقرب الخاقان مؤتمن السلطان آقایی میرزا محمود خان جنرال قونسل دولت علیهٔ ایران مقیم تفلیس خطاب بمؤلف مومی الیه نوشته اند باداره رسید چون مقصود اصلی ازاین اصلاح حروف خدمت بسیار عمدهٔ برای عالم اسلامیت است مانیز وظیفهٔ خود میدانیم خدمتی را که درطبع ونشر مطالبی که متعلق بآن مقصود است بعمل بیاوریم ٠

بنابراین صورت کاغذ مذکوررا عینا درذیل می نکاریم ٠

﴿ صورت کاغذ ﴾

برادر من آقا میرزا رضا

نامهٔ که برای تسهیل الف بای اسلام واخطار عیوب واظلام آن نکاشته وبرسبیل نمایش بحروف نقشی تازه نکارش کرده ونسخهٔ از آن برای من برسبیل هدیه فرستاده بودید دیدم وبدل پسندیدم٠ دراوان ربیع زندکانی از بوستان طبع شما چنین کلستان دلپسند جای صدآفرین وسزاوار هرکونه تحسین است البته دراین حرفی نیست که کتابت آلت تفهیم مقاصد ومرام والقاء تخیلات وتبیین حوائج عام بر یکدیکر است ومقصود اصلی ازآن دیدار معانی را ازحجاب بظهور آوردن ٠ پس در اینصورت هرقدرنیل این آرزو ومقصدزودتر بسهولت انجامد بطبایع خوش آید ٠ وعمر تعلیم زودتر بسرآید ٠ اطفال مابعد از صرف پانزده سال عمر کرانمایهٔ خود بدرس وتدریس (بازچون دائره سرکرداند) ودر هیچ مقام مکان ندارند نه داخل سلسلهٔ کروه فارغ ازتحصیل اند ونه محسوب در زمره عوام ذلیل ٠ وهیچ نتیجهٔ در دنیا وعقبا از زحمت ایام کذشتهٔ خود برنمیدارند ودر مسائل ضروریه بازدست حاجت باین وآن میآرند ٠ برخلاف سایر ملل وابنای این زمان که درده سال عالم کامل هستند ومردان عامل بساعتی اندیشه اسباب طی الارض اختراع میکنند ٠ آتش بجان آب انداخته غریو دردل زمین افکنده از آهن راه میسازند ٠ وقوهٔ تلکرافیه را قاصدآمال میکارند ٠

رشتهٔ سخن ازدست نرود که مقصود من بیان این نکته بود که راه تحصیل علم هرقدر سهلتر باشد کاروان متعلمین آنقدر زود تر بمنزل میرسد ٠ وشخص هرقدر عالم باشد آنقدر بردیکران برتری کزیند ٠ زیادتی وبرتری ملت اسلام برملل فرنك هفتصد سال قبل براین ازچه بود ٠ وتفوق آنان امروز باسلامیان ازچیست٠ آیات قرآنی واحکام آسمانی وقتی درخط کوفی نوشته میشد بعد باقتضای عصر ووسعت ترقی لازم وجایز دیدند وبخط نسخ ونستعلیق اش بدل کردند ٠ دراین عصر که پارهٔ علوم پیدا شده ودرجهٔ تربیت بالا رفته اکر بازنواقص واشکالات آلات تحصیل اسلام را سهل نمایند جای حیرت نیست ٠ بلکه

برخلاف وقت همت وغیرت است که ازکاروان سعی کرده عقب نمانند . وخود شانرا بمنزل برسانند . وازنعمای دنیا وعقبا تمتع برگیرند . وچون رهبانان در کوشه نشینند وسر بجیب مذلت نکشند .

اولا . القبای تازهٔ شما بر وفق حرکت طبیعیٔ دست میباشد اگر کسی بادست راست حرکتی از راست بچپ نماید وحرکت دیگری از چپ براست سهولت طبیعیٔ این دو حرکت را حس خواهد نمود .

ثانیا . بواسطهٔ حروفات تازه درمیان کلمات بهمدیگر مشابهتی نخواهد بود که حسن را حسن خوانده وبفقدان نقطه مجرم را محرم بکنند . همچنین محتاج باعراب نخواهد بود که حضور وغیبت آن اسباب دلخوشی وکدورت قرائت کنندگان بشود . واینهم مسلم است که بتغییر صورت القبا فرق وتغییری درمعانی نخواهدشد . حریر همان حریر است . پرنیان خوانی وحریر وبرند . ازخداوند عز وجل مستمند هستیم که دراین نیت بزرك وآرزوی سترك شما قلوب همه دانایان وخیرخواهان اسلام را باشما یکدل ویك جهت داشته که برتر بیت اسلام دلی بکمارند . وخار مذلت را از پای آن ملت بدر آرند وتاانداك فرصتی دردست دارند . غنیمت بشمارند تافردا آه نکشند وبیهوده حسرت نبرند . باید بیدار شده کوش بجرس داد .

﴿ خواب نوشین بامداد رحیل ﴾
﴿ باز دارد پیاده را ز سبیل ﴾

(امضا)
(محمود طباطبائی)

بقیهٔ ترجمهٔ کاغذ ترکی العباره ایست که درنسخهٔ گذشته اختر نوشته شده بود .

ودراثنای راه تفنگهای (مارتینی) را که فراریان ریخته وروی همدیگر تل شده بود ومجال برداشتن آنها بصاحب منصبان اردو باقی نبود شیخ ویارانش جمع و یاسب واستر بارنموده بجای اینکه بحکومت تسلیم نمایدبه (شمدینان) که مقرخودش است روانه داشت . ودرعرض راه بافراد عشایر وسایر اهالی که ملاقات میکرد امرای عسکریٔ دولت علیهٔ عثمانی را خائن و بی‌دین یادنموده عوام را ازدولت وملت رنجیده خاطر ودلسرد میکرد تااینکه بدین حالت بمقر خود رسیده پیوسته کسان خودرا بولایت وان فرستاده بواسطهٔ ح.ع. افندی میرمحاسبهٔ ولایت نوشتجات متعلق بداخلیه وخارجیه را پیش خود جلب نموده بمطالعهٔ آنها وقت میگذرانید . شیخ متدین ما که منتهای آرزوی اوذکر شد آیا تنها بامطالعات وقت عزیز خودرا بپایان میآورد ؟ خیر ! خیر ! هیهات !

چون میدانم آقایان کرام آرزومند مطالعهٔ این فقرات هستند لهذا جسارت ورزیده ازسایر مشغولیت شیخ بیانات کافی میدهم .

چنانکه پس از عقد متارکهٔ که نتیجهٔ آن مصالحهٔ برلین وتقویت آن مصالحه‌را نیز بمعاهدهٔ قبریس تامینات داده شدکه بهمان جهت درنهایت آسایش !!! زیست میکنیم بموجب ارادهٔ سنیه باقتضای زمان ورعایت قواعد حزم واحتیاط ونیز برای اینکه درآغاز بهار درخدمت قراولی مستخدم وهنکام لزوم بمواقع جنك فرستاده شوند بجمع‌آوری عساکرمعاونه پرداخته میشد آنوقت شیخ ما که صیت شهرت وشان او باقصای جوانب شرق وغرب کردستان رسیده بدون موانع ومزاحم فرصت مخابره ومذاکره باعموم قبائل وعشایر اکراد را بدست آورده ظاهرا برای دعوت اکراد بنام جهاد باطراف نامها فرستاده ودرباطن سپارشات شفاهی بفرستادکان خود یاد داده عشایرا کرادرا یاد داشت نمودکه . (ممالك عثمانی را دولتهای اروپ ضبط نموده بحکومتهای کوچك متعدد تقسیم خواهند نمود پس مارا است که پیش از وقوع این حال قطعهٔ کردستانرا که موطن ماست ضبط نماییم بنابراین بشما اطلاع میدهم که حاضر وآماده باشید که هنکام لزوم بی هیچ تاخیری در (شمدینان) مهیاباشید این است که عشایراکراد نیز ظاهرا بنام جهاد وباطنا بترتیب فساداشتغال ورزیدند . وبمجرد امضا شدن عهدنامهٔ ایاستفانوس نقبهای فسادرا که درکردستان آماده نموده بود ازسمت (زاخور) و (جزره) فتیل شقاوت گذاشته مشتعل نمود . واز یکطرف نیز خود بساختن (فرون) یعنی تنور خبازی وپختن (بکسماد) مشغول گردیده ازطرف دیکر نیز از (رواندوز) چقماقسازها جلب نموده بتعمیر و پاك نمودن چقماق ولوله تفنگهای (مارتینی) و(منجستر) و(شاسپو) که بعضی را از اردوی (وان) و (بایزید) غصب نموده برخی را ازعشایر وقبائل روس که درجنك دستشان افتاده خریده بود پرداخته از جانب دیکر پسرش شیخ صدیق باجمعیت انبوهی حدود را تجاوز نموده آقایان وبیك زادکان بیچارهٔ (بینسار) را غفلة قتل واموال آنان را غارت وعیال آنهارا اسیر نموده در (شمدینان) نزد پدرش آورده پس ازمدتی ازجانب شیخ اسیران آنهارا بوطن خود اذن مراجعت داده شد . علاوه برآن (مرشمعون) رئیس روحانیٔ ملت (نسطوری) را که بطور موقت درکوه (جیلولر) اقامت داشت مایل بخود نموده از هرجانب برای ایقاد نایرهٔ فساد واختلال باقبایل وعشایر اطراف بمخابرات آغاز نمود . ولی بجهة جانفشانیهای فوق العاده وتدابیرحکیمانهٔ مامورین سنجاق (حکاری) که آنوقت تازه تشکیل یافته هنوز هیئت آن ناتمام بود ونیز از عدم همراهی وموافقت بعض مامورین خفیهٔ اجانب که درشهر (ارومیه) اقامت دارند جلوحرکات غدارانهٔ اوگرفته شده گذشته از آنها ازاقدامات مدبرانهٔ حکومت عشایر (هرتوشی) و(هریکی) و(شکاك) و(چال) نیز ازاتفاق واتحاد (کردی) جدا شده متفرق گردیدند . آنسال از کثرت برف هوانیز دیراعتدال پذیرفته درآغاز بهار ورود عساکرشاهانه به (حکاری) نقشهٔ فساد شیخ مارا محو وابطال نموده مانند مارا فسرده سرخودرا بسوراخ فرصت کشیده از روزنهٔ سوراخ خود وضع جهانرا تماشا مینمود وبرای اینکه برائت ذمت خودرا درشورش (جزره) در نزد اولیای دولت اثبات نماید باشتباهکاری برخواسته وقوع آن حرکات را باکراد بی ادراك نسبت داده ضمناً عدم اقتدار خودرا درخصوص بازداشتن اکراد از اختلال درمقام عذر بیان نموده پس از آن استدعا نامهٔ بحضرات اولیای دولت تقدیم نموده آرزومندبودن خودرا بزیارت حجاز مغفرت طرازومجاورت درآن خاك پاك عرض ومستدعی گردید که ازجانب دولت علیه درایقباب باو رخصت داده شود بااینکه رخصت داده شدازعزیمت بدانصوب مقدس پشیمان شده انتهاز سوراخ مفسدت را بزیارت ومجاورت آن مقام پاك مرجح دانسته درشمدینان باقی ماند .

ولی هزار افسوس که بمناسبت شورش داخلی ولایات روم ایلی ! که ازنتایج ناکوار مسئلهٔ

شرق است . وبعلت وقوع نمایش بحری ، وحرکات جنکجویانهٔ یونان ! وفقره (اوتونومی) یعنی استدعای ارامنه ! وقحط وغلای سمت اناطولی وآذربایجان ؟ واغتشاش امور مالیه ؟ وراستتر ازهمهٔ اینها (انتریکهای عالم نصرانیت) موجب پشت کرمی وشادمانی شیخ‌ما شده آهسته آهسته سرخودرا ازتنکنای سوارخ فرصت بیرون آورده درجستجوی اسباب اختلال وشورش وفساد بود که‌ناکاه نامرد نمك بحرامی ازطایفهٔ (منکور) که (حزو) نام داشت باو برخورده ازوضع (ساوجبلاغ) وآماده بودن خودرا بشورش وفساد بشیخ اظهار داشته شیخ که‌ازمدتها جویای چنین روزی‌بود بحمایت‌آن‌نمك بحرام دربدر بی‌پدر برخواسته فورا فرزند خود عبدالقادررا باجمعی همراه حزو بموقع شقاوت روانه وهمشیره زادهٔ خود خلیفهٔ سعیدرا برای اضلال وافساد عشایر وقبائل به (حکاری) فرستاده بیانامهٔ خطاب باکراد بدین مضمون نوشت‌که . (ای برادران دینی شیعیها خیال قتل عام دربارهٔ سنیان دارند هنکام غیرت‌ووقت حمیت است) باین کلمات عوام فریب جهلای کرادرا بسفك دماً وغصب اموال وهتك‌عرض مسلمانان‌دعوت‌نموده اینقدر آفریدکان خدارا‌قتل وچندین بلاد معموررا خراب وقلوب مسلمانان‌را درآتش‌ظلم وتأسف کباب نموده بمجرد دیدن قوت لشکریهٔ بسیار کی درمقابل خود ببهانهٔ اینکه درآغازبهاردوباره‌بجنك‌وستیز خواهدپرداخت فرار وکریز اختیار نموده بشمدینان برکشته است !....

ای‌آقایان محترم‌ما که‌حمایت ازاشقیا میکنید ! سئوال میکنم ازشما آیا همین شیخ افندی نبود که‌درهنکام مراجعت اردوی (بایزید) بااینکه دردورش زیاده بریکهزار و پانصد نفر جمعیت نداشت‌چندمقابل‌آن علوفه‌وتعیینات ازدولت‌علیه میکرفت . آیا همین جناب شیخ نبود که‌بنام مواجب‌عساکر معاونه بمتعلقان خودازحکومت سنیه مبالغ کزاف پول کرفته حال آنکه دیناری بکسی نداده همان مبالغ‌را که‌پول کاغذی‌بود دراطراف شمدینان بمسکوکات خالصه ومغشوشه تغییر وتبدیل کرده بااین وضع تنکی مالیه موجب خسارت کلی بیت‌المال مسلمین کردید ؟

همین شیخ بزرکوار ! نیست که‌تفنکهای دولت‌را ازاردو باراسب واستر ودوش کردها نموده بشمدینان فرستاد . علاوه براینها (م.) افندی سرهنك‌را که‌ازجانب حکومت مأمور بجمع آوری اسلحه وجبه خانه بودکه بدست اهالی افتاده ونیز برای کرفتن تفنکهایی که‌شیخ‌فضائلمآب بموجب‌قبض‌خودبرای عساکر داوطلب‌ازانبرهای عسکری کرفته‌بود مأموریت داشت‌مدتهادرکوه‌وبیابان‌سرکشته‌وحیران‌کردانیده آخر بی‌نیل مرام روانه داشت . همین شیخ متقی نبود که‌لایحهٔ کردستان‌را که‌درنزد بابعالی موقع حسن قبول نیافت ترتیب‌داده بواسطهٔ رشیدبیك ازامرای (حکاری) که‌برای تدقیق وضع اردو ازجانب بابعالی بدرسعادت احضار شده‌بود فرستاد . کذشته ازآن بثروت وسامانی‌که بواسطهٔ وقوع جنك بچنك آورده‌بود قناعت ننموده ازخزانهٔ جلیله بااین‌حالت تنکی داده‌شدن‌پنجهزار قروش‌ماهانه بنام مصارف زاویهٔ‌خود عرائض واستدعانامها فرستاد .

همین‌شیخ محترم بود درهنکامیکه بدل اعشار دیوانی دهات حاصل‌خیز نواحیٔ (شمدینان) و(کوار) ازجانب‌حکومت درموقع مزایده‌بود کسانی را که داخل بیع میشدند تهدید نموده اعشار آن نواحی را بنازلترین قیمتی بعهدهٔ همشیره زادهٔ خود تفویض کرد . علاوه برآن قبیلهٔ (هریکی) را که تمکین از او نمیکردند اکراد (شمدینان) و(کوار) را برضد آنان برانکیخته ازقتل وغارت آنان فرونکذاشتند ودولت‌علیه‌را برای تدقیق این‌قتل‌وغارت دچار پارهٔ مشاغل بیهوده وتشکیل کومیسیون ومخارج بی اندازه نمود . همین شیخ فضیلتمآب بود که به‌نیات مفسدانهٔ خراب‌نمودن ممالك‌آبادان دولتین علیتین باشارهٔ شیخ نورالدین برادر زادهٔ او (احمو) طوپال فرزند علی خان رئیس‌قبیله (شکاك) را از (الباق) فرستاده دیر(مناستر) را که ازآغاز بنای‌آن تاکنون ازهرآسیب وصدمه مصون بود معرض تاخت وتاز وغارت نموده راه غارت عموم دهات مسلمان وعیسوی آنسامان را باکراد دزد وراهزن قبیلهٔ‌شکاك بازداشت ؟

آیا غارت‌کنندکان آذوقهٔ دهات (نورکوغ) وغیره وسبب اضمحلال وپریشانی اهالیٔ‌آن‌دهات بغیر ازاقارب وخلفای شیخ بودند ؟ که‌درمرکز ولایت نیز ازاجرای هیچ‌کونه هرزکی ووحشت پای‌عقب نکذاشته حتی حکومت را هم تهدید میکردند . خلاصه هرکاه ازقبائل اکراد خلیفه فهیم افندی وفرزندان شیخ محمد کاکا افندی را ندیده‌بودم بقوت قلب‌ازصدق‌وقبول این مثل مشهور که (ازچوب‌تنور وازکرد اولیا نمیشود) خود داری نمیکردم . هرکاه از امرای اکراد بیکزادکان (مکس) وامرای (قارجیکان) را ملاقات ننموده‌بودم دعای الهی (ریشهٔ‌اکراد زبن کنده‌باد) را دربارهٔ‌آنان یادمینمودم .

درباب محصورین بایزید آنچه بدولت علیهٔ ایران اسناد میدهند ازعدم اطلاع محررین ناشی است زیرا آنان ازوضع لباس وکلاه بعض اهالی قفقازوقبیلهٔ قره‌پاپاق‌راکه‌درکنار(ارس)سکنادارند بی‌خبرند وهرکس‌را که‌درسرکلاه ودربرلباس ایرانی میبینند تبعهٔ ایران میپندارند حال آنکه مردمان آکاه‌میدانند که‌آنها ازاهالی قفقاز وتبعهٔ‌روس بودند . ولی برخلاف محررین کرامی‌ما بایست بدانند که‌دراردوی (بایزید) و (ارضروم) آذوقه ومأکولات ازقبیل برنج وغیره ازجور مهمات‌نعل‌ومیخ و(لاپچین) وسایر ازکدام مملکت میآمد واهالی کدام‌ملك‌اینکونه اشیا را باردوی عثمانی میآورد . وهزاران‌راس اسب واستر مکاری که‌درخدمات نقلیهٔ اردوی اناطولی کارمیکرد حیوانات کدام مملکت‌بودند . کذشته قسمت بزرك عساکر معاونه‌را که‌جناب شیخ‌ما بموقع جنك آورد اهالی کدام ولایت بودند . شیخ محترم مابود که‌پس ازتشویق وتحریکات بسیار درحالتیکه بجهاد آمده‌بود بامأمورین روس ملاقات نموده بلطائف الحیل خودرا ازجنك بازکشید . آقایان‌محرر دیپلومات بی وقوف‌ما میخواهند دامن شیخ‌را ازلوث تقصیر (ظهور علی‌الاسلام) پاك بدارند تمییز صحت اسنادات محررین‌مارا درحق دولت اسلامی‌مانند دولت‌ایران بمحکمهٔ وجدان‌صاحبان غیرت مسلمانی که‌آکاه ومنصف هستند حواله نموده لازم دانستم که‌دراینباب بیش ازاین‌سخن نکفته سکوت اختیار کنم .

در باب تلکرافنامهٔ اعلا حضرت شاهنشاه ایران بمابین همایون ملوکانه بمناسبت شورش اکراد نیز میکویم . اعلا حضرت پادشاه ایران درهنکام تشریف فرمایی اسلامبول بااعلا حضرت پاشاه اسلامپناه سلطان عبدالحمید خان ملاقات فرموده مصاحبات دوستانه درمیان‌واقع شده درسفرنامهٔ همایون که‌بقلم معجز رقم خودشان

نوشته اند که اعلا حضرت اقدس سلطان برای جلوس بتخت عالی بخت عثمانی بیش از خاقان سابق لائق هستند . بنابراین توانیم گفت که این دوشهریار عالی تبار را از سابق بهمدیگر محبت قلبی بوده است ومآل تلگرافنامه نیز عبارت ازاستمزاج دولت علیهٔ عثمانی بود که آیا باین اغتشاشات کردی که درحدود دولتین ظاهر شده موجب تسهیل مداخله دشمنان تواند شد ایشان راضی هستندیانه . بنابراین آنانکه ازمحررین کرام معتدر بنوشتن دوسطر مطالب پولیتیکی هستند خیلی غریب است که باین نکات ابدا برنخورده دراینباب برخلاف رضای میامن ارتضای دودولت متحدآسایش خواه سخن میگویند . ونمیدانند یك دولت قوی مکنت که علاوه برعساکر منتظمه وسوارهٔ نظام هروقت که بخواهد تنها ازایل جلیل قاجار که منسوب بخانوادهٔ آن پادشاه بااقتدار است میتواند بیست هزار سوار جرار خنجر گذار شیرشکار آماده کار زار بکند ازتادیب جمعی را هزنان اکراد بی سروپا که با نبوه زاغ وزغن میمانند عاجز نخواهد ماند . چنانکه جهانیان دیده وشنیدند که بمجرد صدور فرمان اعلا حضرت پادشاه ایران جناب ابهت ودولتمآب میرزا حسین خان سپهسالار اعظم باجمعیت قلیلی در یك حمله شیرازهٔ انتظام آن کروه شریررا که موجب اغتشاش حدود دولتین بودند چسان ازهم پاشید وسلسلهٔ جمعیت آنانرا که مصدر شرارت بودند چگونه پراکنده ومتفرق ساخت کان من این است که محررین دیپلومات مادراین مورد جوابی بغیر ازسکوت نتوانند داد .

ای ملت نجیب عثمانی وایرانی که پیروان دین جلیل محمدی هستید همهٔ شما خوب میدانید که . (جرجیسیها) و (کاتولکها) و (ارتودکسها) و(پروتستانها) و(آثوریها)و (مارونیها)و(قبطیها) و(حبشها)و(کلدانیها)و(مولتانیها)و(نسطوریها) و(یعقوبیها)....وها....وها... تادوسال پیش از این همدیگر را تکفیر میکردند ولعنت میخواندند . و بهمدیگر دختر نمیدادند . ولی دراین اواخر تنها بسبب یك دستورالعمل جناب رئیس وکلا ! تفرعات مذهبی را بکلی فراموش داشته باصل مذهب چسبیدند درتشکیل یك عالم (نصرانیت) باهمدیگر متفق ومتحد شدند وباآواز یکدیگر در مقام ادعا برآمده اکنون میگویند (ماعیسوی هستیم کتاب وپیشوای مایکی است باتفاق ودستیاری همدیکر باید آزاد باشیم . استقلالیت میخواهیم . دیکر تابع مسلمانان نتوانیم شد . زنده باد مذهب عیسوی) علاوه براین ازیکجانب باختراع انواع دروغ وافتراها ولوله بجهان انداخته واز طرف دیکر در (بوسنه) و(بلغارستان) درحق برادران دینیٔ ما انواع مظالم ازقبیل قتل نفوس وغصب اموال وهتك عرض بکار میبرند که همهٔ اینهارا باچشم خود دیده باگوش خود میشنویم ویقین میدانیم که ماهارا بغیر ازاتفاق واتحاد چارهٔ باقی نمانده که بدان چاره ازچنك آنان خلاص بشویم . حیف صدحیف باز درمزرعهٔ اتحاد واتفاق تخم نفاق وشقاق میکاریم . کل باغچه اخوت ومحبت را که بتدریج بنای سرسبزی کذاشته بودبه تند باد لجاج وعناد افسرده وپژمرده میکنیم . آتش (فیناتیك) را که باآب چشم مودت وبرادری ومحبت وتمکساری نزدیك بخاموشی بود بهبادزن جهل ونادانی مشتعل مینمایم . ودشمنان ما از ملاحظهٔ این اوضاع ازعدم مآل اندیشیٔ مایقین حاصل نموده هرروز دربارهٔ مابرمراتب تسلط واستیلای خود میافزایند.....!!!

همهٔ موحدین و پیروان دین مبین حضرت سیدالمرسلین را این نکته واضح است آنانکه نامشان درتواریخ مضبوط است که موجب تفرقهٔ مسلمانان درصدراسلام شدند بهرچشم نفرت که باآنان نکاه میکنیم اخلافان نیز مارا بوسیلهٔ همین نفاق بهمان چشم خواهند دید . باینکونه تحقیر ومظالم که درممالك دور ونزدیك اکنون برادران دینیٔ ما کرفتارند آنان نیز دچار شده مارا بنفرین ولعنت یادخواهند نمود . بااینکه بعلم الیقین میدانیم که اخلافان باین روش عدم اتفاق مانند اهالی (امریك قدیم) ازخاك وطن عزیز خودشان که سرشته بخون پدر واشك چشم مادرشان است دور ومهجور وکرفتار انواع خواری وزاری خواهند کردید بازازمسلك نفاق خودمانراکنار نمیکشیم که درحقیقت این یکی جای تاسف وکریه است !!!

این یکی را نیز لازم دانستم که بجناب شیخ ما وعشایر اکراد که برادران جاهل ونادان ماهستند اظهار بکنم که . ازدو دولت که درحدود ایشان بنای افساد کذاشته مقصودی درنظر دارید یکی دولت علیهٔ ایران است که ازچهل سال باینطرف دچار صدمهٔ جنك وآشوبی نشده بهیچ دولت وملتی قرض ندارد ودیکری دولت علیهٔ عثمانی است که از بیست وچهار سال باینطرف یعنی ازجنك قریم تاکنون در بیدا ونهان باهیکلی قوی دست وکریبان است . وبهیچ هوای وهوی دل خودرا از دست نداده درمقابل هرکونه صدمات خودداری نموده است میباشد . بالفرض درسر حد این دو دولت مقصودی که در نظر دارید کوییم از پیش توانید برد آیا در آنصورت شمارا بحال خود تان خواهند کذاشت ؟ بیکانکانی که اکنون بملاحظهٔ اینکه (زهرطرف که شود کشته سود.....است) ازدور تماشا میکنند. ودر باب (ظهور علی السلطان (که مستلزم جنایت دنیا وآخرت است شمارا حرفی نمیکویند بمجرد اینکه بمقصود خود نایل شدید بیکبارعساکر خودشانرا حکم یورش بسرشماداده فورا (مرشمعون)را امیروشمارا اسیرا وخواهند نمود که این یکی مسئلهٔ بسیار واضح است . پس شمارا است اکنون را که نوعی حاکمیت دارید قدر اورا دانسته بحکوم بودن خودتان وسیله نشوید بدبل بتدابیر حکیمانهٔ اولیای دولتین علیتین که ازنکات مطلب آکاهی دارند پیروی نموده خیالات باطله وتصورات نارسای بعض محررین بی وقوفرا که ازروی انصاف قادر بمؤاخذهٔ مقالهای سودمند خیر خواهان اسلام نیستند ونمیتوانند مانند (ترجمان حقیقت) مطالب محققانه بنویسند فریفته نشده ترهات آنکونه محررین را باورندارید . ومنافع دنیا وآخرت خودتانرا منظور داشته بدائرهٔ اطاعت برکشته بدامن عفو وامان متبوع مفخم خودتان چنك زده چنانکه ازفرائض دینی است بدستیاری واتفاق همدیکر مانع ازمقصوداستیلای دشمنان حقیقی که آمادهٔ محو استقلال ماهستند باشید تااینکه راستکارشوید . ازآقایان محررین کرام نیز خواهشمند هستم که دراین مواد مسلك مستقیم ومحققانهٔ برادرما (احمدجودت افندی) صاحب اخبار نامهٔ (ترجمان حقیقت)را پیشنهاد خودشان نموده زیاده براین نیکخواهان اسلام را ازمقالات خودشان رنجیده ننمایند . انتهی

(امضا)
(م . ع)

﴿ طاهر ﴾